

## عنوان مقاله:

معناشناسی عشق در بازخوانی متون عرفانی بر بنیان نظریه ربط

## محل انتشار:

فصلنامه ادبیات عرفانی، دوره 16، شماره 37 (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 31

## نویسنده:

مینا بهنام - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

## خلاصه مقاله:

پژوهش حاضر به بازکاوی معنای عشق در گذر از متون عرفانی می پردازد. نظریه ربط اسپریر و ویلسون که بنیادی زبانی دارد و در گروه مقولات کاربردشناسی شناختی قرار می گیرد، چارچوب نظری این پژوهش را شکل داده است. ماحصل این پژوهش نشان می دهد در بازخوانی متون عرفانی (بررسی موردی در یک غزل از دیوان حافظ) از منظر مخاطب، عشق، معنایی تجویزی و از پیش معین ندارد و در اصل پدیده ای متکثر است و از آنجا که بیان تجربه های متفاوتی در حوزه عرفان چنان که عرفا گفته اند با کلمات و عبارات غیرممکن است، پیام عارف در قالب نظام متشکل از انگاره های بافتی به صورت تلویحی به مخاطب عرضه شده و همین مسئله سبب ایجاد تکثرات معنایی بیرون از جهان عرفان شده است. براساس نظریه ربط این تلویحات طیفی از اشارات قوی و ضعیف را شامل می شوند که خواننده متن بسته به اطلاعات دانشنامه ای و داشته های حافظه بلندمدت و کوتاه مدت و نیز بافت ادراکی خود و موارد دیگر، آن ها را تفسیر می کند و هر زمان که انتظار وی از ربط پیام گوینده کافی به نظر برسد، دست از تلاش برمی دارد. علاوه بر آن با استفاده از پرسش نامه ای که بر مبنای نظریه ربط و اهمیت دلالت های بافتی بر روش فهم اکتشافی کلام تهیه شد عواملی همچون سن، جنس، تحصیلات، اعتقادات و... بررسی شد و نشان داد که برخی از این عوامل می تواند بر دریافت خواننده از عشق در بازخوانی متون عرفانی و جز آن اثرگذار باشد.

## کلمات کلیدی:

نظریه ربط، عشق، متن عرفانی، تعین و تکثر معنا

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2079221>

